

آرمان شهر و نسبت آن با شهر اسلامی^۱

نویسنده: حامد رضایی

مقدمه

شهر اسلامی چیست؟

آیا شهر اسلامی یک اتوپیا یا مدینه‌ی فاضله است؟

آیا آرمان‌انگاری شهر اسلامی محل مبانی تحقق‌پذیری آن نخواهد بود؟

شاید قدری عجیب باشد که در مبانی آرمان‌شهری مفهوم شهر اسلامی با تأمل و پرسش‌گرانه نگرینسته شود. اما به نظر می‌رسد که این پرسش به‌طور جدی مطرح است که "اما، آیا شهر اسلامی، آرمان‌شهر است؟" چرا که اگر این‌گونه باشد، خواه ناخواه، راه تردید در شیوه‌های امکانی و تحقق‌پذیری شهر اسلامی به عنوان انگاره‌ای جدی و عینیت‌یافته یا دست‌کم دارای ظرفیت‌های عینیت‌بایی، باز می‌شود. اما آن‌چه مسلم است از دیدگاه جویندگان مبانی اسلامی شهر، تحقق شهر اسلامی ضرورت و اصل اساسی است. چگونه می‌توان این تناقض را حل کرد و بدان پاسخ گفت؟

پاسخ دادن به این پرسش‌ها بدون در نظر گرفتن پیچیدگی‌های آن‌ها خالی از اشتباه نخواهد بود. بررسی این پرسش به لحاظ جنبه‌های روش‌شناختی پیشنهادی این نگارنده، شامل دو مرحله برای بررسی موضوع «شهر اسلامی» است. یک مرحله شامل بررسی‌های شناختی از شهر با همه‌ی پیچیدگی‌های آن است و مرحله‌ی دیگر بررسی شناختی وجه وصفی اسلامی برای شهر به مثابه موصوفی پیچیده برای این صفت است. به عبارت ساده‌تر درک مفهوم شهر اسلامی به منظور تدوین انگاره‌ی مفهومی برای شهر، ناگزیر از این دو مرحله خواهد بود:

۱- شناخت شهر به عنوان پدیده‌ای تجربه‌پذیر، از پیش موجود و در عین حال پیچیده که به خودی‌خود مسایل بسیاری در مسیر شناخت آن وجود دارد.

۲- شناخت جنبه‌های اسلامیت برای شهر که تا حد زیادی آرمان‌گرایانه است و در نتیجه متضمن مفهوم آرمان‌شهر است.

به این ترتیب می‌توان گفت شهر اسلامی امری است سیال که در حدفاصل واقعیت‌ها و آرمان شکل می‌گیرد. و بدین ترتیب هدف از پردازش نظری مبانی مفهومی شهر اسلامی شناخت سویه‌های دوگانه‌ی «واقعیت» و

۱. برگرفته از: مهندسین مشاور نقش جهان - پارس، طرح شهر جدید چهارم در استان اصفهان، بررسی‌های پایه‌ای و چارچوب نظری شهرهای ایرانی - اسلامی

«مجاز» و یا گذار از امر واقع و موجود به امر مخیل و آرمانی در دو سوی موضوع است. این فراشد به منزله‌ی تمهید و تدارک امکانات نظری برای این گذار است.

بنابراین تدارک امکانات نظری برای صورت‌بندی انگاره‌ی مفهومی پیش‌گفته، روندی است که شامل دو مرحله‌ی زیر است.

۱- نخست، شهر اسلامی چگونه تصور می‌شود؟

۲- پس از تصور آن، این مفهوم چگونه محقق می‌شود؟

آدمی را خیال هرچیز با آن چیز برد خیال باغ به باغ برد
خیال دکان به دکان. اما در این خیالات تزویر پنهان است.
فیه مافیه

آرمان‌شهر

آرمان‌شهر، یوتوپیا یا مدینه فاضله از جمله مفهومی است که سال‌ها ذهن اندیش‌مندان و فیلسوفان را چه در دنیای غرب و کسانی چون افلاطون، آگوستین، توماس مور، کامپانلا و مارکس و چه در دنیای اسلام و ایران و کسانی چون فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، شهاب‌الدین سهروردی و ابن خلدون را به خود مشغول کرده است. مارکس در مغرب زمین و کسانی چون فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، سهروردی، ابن خلدون و دیگران، همگی کوشیده‌اند به توصیف آرمانی شهری ایده‌آل یا همان آرمان‌شهر مطلوب‌شان بپردازند. تحقق عدالت، دستیابی به حقیقت، طرح جامعه‌ی آرمانی، مفاهیم خیر و شر، برابری و برادری، مفاهیم عقلانی، شیوه‌های رستگاری آدمیان، مشخصات حکمران و حاکم آرمان‌شهر، تحقق بهشت این جهانی و جز آن‌ها، همگی در اندیشه‌های آرمان‌ورزانه اندیش‌مندان آرمان‌شهر گفته شده‌اند.

تصویری که از شهر آرمانی در سیمای توصیفی نامبردگان ارائه شده، برحسب مواضع سیاسی و مذهبی و ایدئولوژیکی و فرهنگی عصر خود بوده‌است. گاه آرمان‌شهر در اساطیر عصرزین گذشته جست و جو شده و گاه به صورت بازآفرینی‌ای تخیلی، تکنولوژیکی و ایدئولوژیکی در آینده درآمده و گاه در افسانه‌ها و اساطیر و افتخارات ملی گذشته جست‌وجو شده است. گاه در محک بازگویی آرمان‌های نظام‌های حاکم و گاه در یادآوری انتظار فرج و در دستیابی به آینده‌ای موعود برای ضعفا و محرومان زمین، ترسیم گشته است. آرمان‌شهر در اندیشه سیاسی اسلام ماهیتی دینی و آسمانی، در اندیشه سیاسی ایران باستان ماهیتی اسطوره‌ای و رازآمیز و در غرب بیشتر ماهیتی زمینی و برگرفته از خرد و تعقل فلسفی دارد.

مفهوم و چیستی آرمان شهر

مفهوم یوتوپیا از آشفتگی و صعوبت خاصی برخوردار است، چنان‌که نظریه‌پردازان و نگارندگان یوتوپیا نتوانسته‌اند به تعریف مشترکی از آن دست یابند. اما واژه‌ی یوتوپیا برگرفته از واژه‌ی یونانی توپوس به معنی مکان است که نظریه‌پردازان با افزودن حرف نفی «او» از آن مفهومی منفی ساخته که خوبستان، هیچستان یا بهترین مکان یا لامکان و یا به گفته شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی، ناکجاآباد معنی می‌دهد و به عنوان یک تعریف توسط توماس مور برای کتابی که در سال ۱۵۱۶ منتشر گردید، استفاده شد. یوتوپیا با نفی توپیا یعنی مکان، درصدد تغییر آن است. یوتوپیاها نه تنها متنوع‌اند که در بسیاری جهات با یکدیگر متضاد نیز هستند. برخی از آن‌ها ستایش‌گر پرهیزگاری‌اند و برخی دوست‌دار لذت‌جویی. از همین رو، کریستیان گودن، در کتاب «آیا باید از یوتوپیا اعاده حیثیت کرد؟» از چهار دسته یوتوپیا نام می‌برد:

- ۱- یوتوپای آزادی که به ترسیم وضعیت ایده‌آلی بودن می‌پردازد؛
- ۲- یوتوپای با سنت مردمی و انقلابی از سنخ همان یوتوپای توماس مور؛
- ۳- یوتوپای نظم که وضعیت دولت ایده‌آل را ترسیم می‌کند؛
- ۴- یوتوپای نهادینه و تمامیت‌ساز که خود را از پیروان سنت کامپانلا می‌داند.

آرمان شهر یا یوتوپیا، شهر، جامعه یا دولتی آرمانی و کامل است که اهل آن، تاریخ ندارند و به دور از هر گونه نگرانی و ترس و آسوده از اندیشه‌ی مرگ، در شهر خود به کار مشغول‌اند. یوتوپیا شهری زمینی است که مردان آن، جایگاهی معین در شهر دارند و این انتظام را چیزی جز قانون آن شهر معین نکرده‌است که آن هم ساخته و پرداخته دست بشر است. آرمان‌شهر، رؤیای بازگشت به بهشتی است که آدم از آنجا رانده شد، اما در شکل‌بخشی آرمان‌شهر، اوصاف این بهشت به شهری زمینی نسبت داده می‌شود که در زندگی انسان متجلی است در اندیشه و تفکر اسلامی، نخستین بار واژه‌ی آرمان‌شهر توسط حکیم ابونصر فارابی به کار گرفته شد، از آن پس این نام دست‌خوش تغییر نگردید. چرا که حکیم در کتاب خود از اقسام دیگر «مدینه فاضله» به صورت مدینه‌ی ضروریه، بداله، خست و کرامت نیز یاد کرده‌است. بنابراین در اصل واژه تغییر می‌داده نشده‌است. بهتر است به جای واژه‌های بیگانه‌ای یوتوپیا و یا مدینه‌ی فاضله از واژه‌های آرمان‌شهر و آرمان‌شهرگرایی سود جست چنان‌که عزت‌الله فولادوند در ترجمه‌ی کتاب گریز از آزادی اثر اریش فروم از اصطلاح «کام‌شهر» و امیرحسین آریان‌پور در کتاب نقدهایی بر زمینه‌ی جامعه‌شناسی از اصطلاحات «بی‌نام‌شهر»، «جامعه‌ی آرمانی»، «شهر یور»، «خرم‌آباد»، «خیال‌آباد»، «شهر لامکان» استفاده کرده‌اند.

این اصطلاح، تعاریف متعددی دارد، گاهی از آن به عنوان تصویری از گذشته دور و بدوی، وقتی که انسان ارتباط بیشتری با خدا یا خدایان داشت و گاهی هم در بعضی فرهنگ‌های باستان تصویری از سرزمینی بیگانه بود، که ساکنان آن در حکومتی بدون جرم و سختی زندگی می‌کردند و البته در مقابل، گاهی اصطلاح یوتوپیا به یک زمان و مکان کاملی در آینده ارجاع داده می‌شود، آن‌جا که باز یافتن یک بهشت گم شده، تصویری از سلطنت مسیح و یا ایجاد جامعه‌ای ایده‌آل توسط خدا بوده‌است و در این میان گاه تصویری از جهان‌های آسمانی همچون افسانه‌ی جزایر خوشبختی، سرزمین پاک بودایی و یا تصویر قرآن از بهشت، همه به عنوان تصوراتی از شهر آرمانی است که مطرح می‌شود. کارل مانهایم در مهم‌ترین اثر خود «تاریخ و آگاهی طبقاتی»، که در واقع پاسخی جامعه‌شناختی به کتاب «ایدئولوژی و یوتوپیا» ی لوکاش بود، یوتوپیا را به‌عنوان آرزوی تغییر تعریف می‌کند به این معنی که اندیشه یوتوپیایی نیروی اصلی تغییر تاریخ است. آرزوهای یوتوپیایی عبارتند از تلاش برای متحول کردن از لحاظ مفهومی، آرمان‌شهر یا یوتوپیا تجسم شهری آرمانی است، که از جمله آرزوهای کهن انسان بوده است، آرزویی کاملاً طبیعی که عمری به درازای عمر آدمی دارد. در واقع با تحقق این آرزو، مکانی پیدا می‌شود که مجمع همه‌ی خیرها و فضیلت‌هاست و در آن از شر و شیطان خبری نیست.

- ۱- یوتوپیا طرحی ذهنی و تصویری ایده‌آل از دنیای به نسبت بهتر است؛
- ۲- یوتوپیا عدالت را شالوده‌ی اساسی حکومت خود می‌داند. در حقیقت ایده آرمان‌شهرگرایی از عمق وجودی فیلسوف به عنوان نگرشی فطری به عدالت بر می‌خیزد؛
- ۳- یوتوپیا از سویی از واقعیت‌های موجود انتقاد می‌کند و از سوی دیگر، به توصیف جامعه‌ای مطلوب، که در واقعیت وجود ندارد، می‌پردازد؛
- ۴- یوتوپیا می‌خواهد فرد را با جامعه و همگان متحد ساخته و سازش دهد و از این روی، مدنیت طبیعی و رابطه‌ی تعاون میان انواع انسانی از شالوده‌های آرمان‌شهر است؛
- ۵- یوتوپیا از مرزهای زمان و مکان می‌گذرد و جایگاه آن تخیلی است؛
- ۶- جرقه پیدایش یوتوپیا در بحران‌ها زده می‌شود؛
- ۷- صلح، آسایش و رفاه از ویژگی‌های مثبت یوتوپیا به شمار می‌آیند؛
- ۸- بیشتر نویسندگان یوتوپیا‌اندیش، افرادی گوشه‌گیر و ناسازگار بوده‌اند؛
- ۹- توجه به حاکم از ویژگی‌های غالب آرمان‌شهرها است. کسانی همانند فارابی و افلاطون و فرانسیس بیکن بر آن بودند که باید حکیم حاکم و یا حاکم حکیم باشد. کامپلانا جامعه‌ای سوسیالیستی را به تصویر می‌کشد

که کشیشان و روشنفکران، رهبران آن هستند و آگوستین معتقد است اراده‌ی الهی در بدو خلقت چنین بود که هیچ انسانی بر انسان دیگر حکومت نکند.

۱۰- دانایی و خرد نیز از بارزترین ویژگی‌های آرمان‌شهر است و به آن، در قالب یوتوپی‌ها توجه شده‌است، چنان‌که در بسیاری از آن‌ها همانند آرمان‌شهرهای افلاطون، فارابی و فرانسیس بیکن و دیگران، حاکم باید فیلسوف باشد.

در ایران

در ایران اندیشه‌ی آرمان‌شهری از روزگاران قدیم به صورت اساطیری آغاز شد و در دوران اسلامی در عرصه‌های دین، حکمت و ادب خودنمایی کرد. باید گفت که آرمان‌شهرهای ایرانی، برخلاف نمونه‌های یونانی آن، نیروی خود را نه از خرد و تعقل فلسفی که نتیجه غور فلسفه یونانی در اخلاق، عدالت و مدنیت بود بلکه از ادراک اسطوره‌ای و رازآمیز نسبت به جهان هستی می‌گرفتند. به عبارتی دیگر، آرمان‌شهر یونانی زاپیده تعقل فلسفی و آرمان‌شهر ایرانی نتیجه درک رازآلود جهان بوده اند (رضایی راد، ۱۳۷۸). با این حال، نگرش معنوی به شهرها، تأثیرات چشم‌گیری بر کالبد شهرها، به ویژه شهرهای باستانی، گذاشته است. وجود حصار برای شهرها، مکان‌یابی شهرهای باستانی بر روی صفه‌ها، نقشه شطرنجی و نیز دایره‌ای شهرها، به‌طور عمده ناشی از تأثیر اعتقادات و اسطوره‌ها بوده‌است. حصار شهر و شکل دایره‌ای آن، اگرچه عاملی طبیعی برای جلوگیری از تاخت و تاز مهاجمان به‌شمار می‌آمد، اما کارکرد معنوی بسی ژرف‌تر آن جدا کردن شهر از محدوده قوای اهریمنی و حفظ آن از اراده این نیروها بود.

استقرار غالب شهرهای ایران باستان در دامنه یا حصار کوه‌ها بجز تدبیر مسایل دفاعی، ناشی از این تفکر بود که صفه‌ها شهر را به آسمان (ملکوت) نزدیک‌تر می‌سازند. در این تفکر همچنان که صحرای بی‌آب و علف و بیابان‌ها، مکان وسوسه نیروهای شرور بود، کوه‌ها نیز مکان‌هایی قدسی و محل تجلی الهام‌های غیبی بر پیامبران و اولیاء تصور می‌شد. شبکه شطرنجی شهر، تصویری از نظم مینوی بود. معبد، تمثال فشرده‌ای از کل کیهان، گنبد آن نمودار فلک، ستون‌ها یادآور درختان مقدس و نماد برکت بودند. به همین دلیل این معابد بر فراز کوهی مشرف بر شهر، یا همچون مساجد جامع در دوران اسلامی، در مرکز شهر، در محل تقاطع راه‌های درون شهر، جای داشت که آن نیز جای‌گیری کعبه در مرکز کیهان را به یاد می‌آورد.

وجود چهار دروازه در بسیاری از شهرها، نمودی از جهات اصلی کیهان است. این جهات‌های چهارگانه بر معماری خانه‌ها و آتشکده‌ها نیز اثر گذاشت. کیهان‌مزدایی، شکلی مدور و منظم دارد. کل کیهان مانند تخم

مرغی تصور می‌شود که آسمان و زمین را فرا گرفته است. شهرها با نقشه از پیش اندیشیده مدور، برگرفته از شکل کیهان بوده اند.

«اردشیر خوره»، نخستین شهر ساسانی، نمود کاملی از شهر مدور و برگرفته از این تفکر است. در این شهر و دیگر شهرهای مدور، ارگ در مرکز، پس از آن محله‌های مسکونی و خیابان‌های اصلی (شارستان) و سپس حومه آن (ریض) جای داشت. بعدها همین شهر توجه خلفای عباسی را به خود جلب کرد و دارالحکومه بغداد بر سبک و سیاق آن ساخته شد (رضایی راد، ۱۳۷۸: ۱۷).

مشهورترین و نخستین شهر آرمانی در دوران اساطیری، شهر «ورجمکرد» است که اشارات ملموسی درخصوص کالبد آن در اوستا صورت گرفته است. یکی دیگر از شهرهای آرمانی دوران اساطیری، «گنگ دژ» است. این شهر را سیاوش پسر کاووس شاه در شرق سرزمین توران ساخت. گنگ دژ به روایت کتاب‌های دینی زرتشت، شهری مینوی بود که نخست در آسمان بر سر ایوان روان بود و سیاوش آن را در محل سیاوشگرد استوار ساخت. گنگ دژ علاوه بر منابع زرتشتی در شاهنامه فردوسی نیز به تصویر کشیده شده است و گنگ دژ شاهنامه (برخلاف گنگ دژ منابع زرتشتی که صیانت از آن برعهده هفت مرغ است)، از دیدگاه طبیعی، تسخیر نشدنی است، زیرا در میان کوه‌های بسیار بلند استقرار یافته و تنها راه آن به بیرون تنگه‌ای است به طول ده فرسنگ که از آن جا پنج مرد می‌توانند راه را بر صدهزار مرد جنگی ببندند.

یکی دیگر از شهرهای آرمانی، «فرشکرد» از ویژگی‌های کالبدی و دفاعی شهر سخنی به میان نیامده است و کاخ‌های کیکاووس و افراسیاب در مقیاس شهر نبوده‌اند. در دوران تاریخی، عصر بهرام گور و عصر زرین انوشیروان، آرمان‌شهر به‌طور عمده به صورت غیرکالبدی توصیف شده است و تنها از نحوه زیست آدمیان، اخلاق، نحوه حکومت حاکم و مواردی از این دست سخن به میان آمده و به ویژگی‌های کالبدی شهری که انسان‌ها در آن می‌زیستند، توجهی نشده است (اصیل ۱۳۷۴: ۸۹-۶۰).

در دوران پس از اسلام، آرمان‌شهر ایرانی را در سه عرصه می‌توان بررسی کرد: در عرصه‌ی دین و آرزوهایی که درباره‌ی آن پدید آمده خود به اندیشه آرمان‌شهری الهام بخشیده «انظار» است. در عرصه‌ی فلسفه، سه تن از بزرگ‌ترین حکیمان ایرانی (فارابی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی) هستند. فارابی، اولین متفکر مسلمان، مبتکر اندیشه «مدینه فاضله» است که با تلفیق نظریات ایرانیان باستان و افلاطون و ارسطو و آموزه‌های اسلام، به تفصیل، به موضوع مدینه فاضله پرداخته است.

اساس و زیربنای مدینه فاضله فارابی، پرداختن به امور معنوی، عدالت‌خواهی، پرهیز از همه بدی‌ها و به‌ویژه ظلم است. رئیس مدینه فاضله‌ی او، شخصی عالم به همه علوم و معارف و حقایق است که راه‌های سعادت را از طریق وحی و الهام و عقل، در می‌یابد و با ایجاد وحدت بین مردم و رفع بدی‌ها، آنان را به سعادت حقیقی

در دنیا و آخرت می‌رساند. در آرمان‌شهر فارابی، همه‌ی صاحبان حرفه‌ها، در ریاست عالم‌ترین فرد آن حرفه سامان می‌یابند و متصدی هر کاری، باید شایستگی و توان انجام دادن آن کار را داشته باشد.

عرصه سوم الگو یا صورت مثالی آرمان‌شهری است که حوزه‌های دین و ادب هر دو را در برمی‌گیرد. به‌طور کلی در عرصه فلسفه، آرمان‌شهرهای ایرانی دارای سه ویژگی هستند:

نخست، شهر بر رهبری حکیمی فرزانه استوار است، دوم، نظام سیاسی و اجتماعی شهر، طبقاتی است و هر کسی بر حسب شایستگی‌هایش در طبقه‌ای که سزاوار اوست جای‌گرفته است، و سوم، حکومت، ضروری، ناگزیر و ضامن بقای جامعه مدنی است.

برای شهر، در عرصه «صورت مثالی» جنبه‌هایی چون برابری، برادری و دوستی تعریف شده است که مردم آزاری در آن راهی ندارد و فاقد حکومت است. بنابراین، در دوران اسلامی، چه در عرصه دین، چه در عرصه فلسفه و چه در عرصه صورت. مثالی، به ابعاد کالبدی شهرها توجه اندکی شده است (همان: ۱۳۷۴).

در عرصه دین برداشت شیعیان از جامعه پس از ظهور حضرت مهدی (عج)، صلح و آرامش و رفاه و آسایش و برابری و برادری است. این برداشت الهام‌بخش جامعه آرمانی است و حتی به آن فضیلت نیز بخشیده و شهرهایی را نام برده اند که اکنون وجود دارد و زیر فرمان فرزندان امام زمان است و جامعه شیعیان در آن‌ها قرین سعادت زندگی می‌کنند. «زاهره» و «جزیره خضرا»، نمونه‌هایی از این شهرها هستند.

در جزیره خضرا رودها و چشمه‌سارها پرآب، آبشارها فراوان، باغ و بوستان سرسبز و زمین بارور است. شهر در میان هفت دژ واقع شده و دارای برج و باروی بلند است. این شهر از مهم‌ترین تناسبات کالبدی برخوردار است و بازارها و گرمابه‌های متعددی در آن وجود دارد و ساختمان‌ها از مرمر شفاف ساخته شده‌اند.

شهر زاهره در کنار دریا جای‌گرفته است و پیمودن طول و عرض آن یک ماه به طول می‌انجامد. رودهای این شهر پرآب و چشمه سارهایش جوشان است. آب گوارا، هوا فرح‌انگیز و باغ و بوستان سرسبز است و آرامش و دادگری بر زندگی مردمان حاکم است.

سخن پایانی

آنا تول فرانس، متفکر، سیاست‌مدار و نویسنده برجسته فرانسوی، سخنی شیرین دارد. او می‌گوید: بدون داشتن یوتوپیا، انسان هنوز در غارها و به‌صورتی بیچاره و لخت می‌زیست. این ذهن یوتوپیایی بود که نخستین شهر را ساخت و از درون رؤیاهای خویش واقعیات مفید را بیرون کشید. یوتوپیا اصل بنیادین پیشرفت و وسیله‌ای برای سنجش آینده‌ای بهتر است.

در واقع، هیچ نحله فکری معتبری را نمی‌توان یافت که بر بنیاد تصور نوعی یوتوپیا ساخته نشده باشد. با این حال تفاوت آشکاری که در مفهوم و ماهیت مدینه‌های فاضله و آرمان‌شهرهای فیلسوفان و مکاتب مختلف وجود دارد جنبه‌ی زمینی یا روحانی و یا اسطوره‌ای بودن آن‌ها است. یوتوپیای مور، با آن که صبغه‌ای دینی دارد، اما اصول جامعه‌ی کمونیستی بر آن حاکم است. مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی با اتکاء احکام شریعت بیشتر رنگ فلسفی دارد و کلی‌گویی در آن اصلی اساسی است و تصویری که از شهر آرمانی در سیمای توصیفی نامبردگان ارائه شده، برحسب ادراکات و مواضع سیاسی و مذهبی و ایدئولوژیکی و فرهنگی عصر آن‌ها بوده‌است. گاه آرمان‌شهر در افسانه‌ها، اساطیر و افتخارات ملی گذشته جستجو شده و گاه به صورت بازآفرینی‌ای تکنولوژیکی و ایدئولوژیکی در آینده و گاه در یادآوری انتظار فرج، در دستیابی به آینده‌ای موعود برای ضعفا و محرومان زمین، ترسیم شده است.